

اعتراضات زمينه‌ها و تهديد‌ها

جعفر گلابي

به موازات افزايش فشارهاي اقتصادي و بيم تصاعد آنها طبيعي است که اعتراضات صنفی شکل بگیرند و در ابعاد مختلف خود را نشان دهند. به دلايل متعدد هیچگاه بستر اعتراضات تا اين اندازه مهيا نبوده و استقبال و تحريك و تشويق بيگانگان و براندازان هم تا اين حد ظهور نداشته است. به نتيجه نرسیدن مذاکرات هسته‌اي و امتداد تحریم‌ها و جراحي اقتصادي که دولت خود را ناچار به آن مي‌بيند احتمال وقوع و گسترش ناآرامی‌ها را به وجود مي‌آورد و واجهه حاکمیت را مهم و سرنوشت‌ساز خواهد کرد. هرچند حق انتقاد و اعتراض توسط شهروندان در قانون اساسي به رسمیت شناخته شده است ولي بهترين حالت آن است که از طريق به نتيجه رسیدن برجام و افزايش کارآمدی دستگاه‌ها و شنیدن صدای مردم به وسيله مطبوعات و رسانه‌ها و ترتيب اثر جدي و صادقانه به آنها اعتراضات صورت عملي به خود بگیرند و نمود خیابانی پیدا نکنند. در اين صورت کشور روي ریل آرامش و پیشرفت و توسعه قرار خواهد گرفت و بازار تشنج‌خواهان و فرصت‌طلبان و تجزیه‌طلبان کساد و مقرري آنها از سوي بيگانگان قطع خواهد شد. اما ظاهراً ما همه‌چیز را باهم مي‌خواهيم و آمادگی لازم براي پرداخت هزینه چنین گشایش عظیمي را نداريم! آرامش هم مثل همه متاع‌هاي دنيا هزینه دارد و اتفاقاً شجاعتی سخت‌تر و فداکارانه‌تر طلب مي‌کند. در چالش‌هایی که در روابط خارجي داريم يا براي خود ايجاد مي‌کنيم و ايجاد مي‌کنند با صبر و حوصله و کياست ميشود تيغ تيز هجمه‌ها را کند کرد و از اجماع دوباره عليه کشور به‌شدت جلوگیری به عمل آورد. زمانی که رييس دولت‌هاي نهم و دهم هر دم ماجرایي براي کشور ايجاد و بهانه‌هاي ملس تقديم بيگانگان مي‌کرد صندوق ذخيره ارزي پروپیمانی از دولت پيشين تحويل گرفته بود و هنوز تحریم‌ها خصوصاً تحریم‌هاي نفتي عملي نشده بودند و قيمت نفت هم به اوج خود رسیده بود. اکنون هیچ‌يك از شرایط فوق وجود ندارد و اصلاً امکاني براي مانورهاي آنچناني وجود ندارد که کسی بخواهد محض جلب‌توجه آنها را خرج کند. انعطاف در روابط خارجي شايد در ظاهر و ابتدا نوعی عقب‌نشینی تلقی شود و براي بعضي‌ها افت داشته باشد ولي سودش آرامش و اطمینانی است که مردم از هر زمان ديگر بیشتر به آن نیاز دارند. چرا بايد مجموعه شرایط به

گونه‌ای باشد که بسیاری از افراد جامعه در نوعی از اضطراب به سر ببرند و همه از هم بپرسند که: چه خواهد شد؟ همین ذهنیت و شیوع همین سوال التهاب‌آفرین است و زمینه را برای القائات و انواع فرصت‌طلبی‌های سیاسی و جناحی و حتی شخصی فراهم می‌کند. ما می‌توانیم کشوری کاملاً باثبات و بدون زمینه‌های فزاینده چالش‌آفرین باشیم و در عین حال آرمان‌هایمان را پیگیری کنیم. دنیا پر از مناسبات ظالمانه است که هیچ کشوری با هر میزان از قدرت نمی‌تواند خود را درگیر آنها کند. در بهترین شرایط و با حسن ظن، وسیع‌کشور ما برای دفاع از مظلومان حدمعینی دارد و حدش را تحمل و تمایل و اراده مردم مشخص می‌کند، مردمی که اصلی‌ترین هزینه‌پرداز هر چالش کوچک یا بزرگ در روابط خارجی هستند. اما اگر به هر دلیل تصمیم‌گیران کشور برطرف ساختن زمینه‌های اعتراضات را در اولویت اول قرار نداده‌اند اصول سیاست اقتضا می‌کند که حد یقینی برای آن تعیین کنند و همه تلاش خود را معطوف به جلب رضایت نسبی مردم قرار دهند. آیا ادامه روند افزایشی تورم نباید دارای سقف مشخصی باشد؟ آیا با هر میزان از تورم امکان ادامه زندگی‌های پرمشقت کنونی وجود دارد؟ آیا دلار بالای 30 هزار تومان به زنجیره سرمایه‌گذاری و تولید در کشور آسیب اساسی نمی‌زند؟ آیا انبوه کارشناسان دستگاه‌های متعدد دولتی نمی‌توانند به مقامات عالی‌عدد و رقم بدهند و مستنداً اعلام کنند که در چه نقطه‌ای دیگر امکان ادامه وضع موجود وجود ندارد؟ یک‌بار در زمان جنگ این اتفاق افتاد و مجموعه کارشناسان نظامی و اقتصادی گزارش دقیقی از نواقص و انواع نیازهای نظامی و اقتصادی تقدیم رهبر فقید انقلاب کردند و بر همین اساس ایشان تصمیم تاریخی خود برای توقف جنگ را گرفت. به نظر می‌رسد نباید بار دیگر به چنین نقطه‌ای برسیم و اضطراب را به یک تصمیم جدید تن بدهیم. اگر اعتراضات وجود دارد به این دلیل است که مردم نسبت به تناسب امکانات و تصمیم‌ها و کارآمدها قانع نیستند. مردم کوچه و بازار هرگز تمایلی به شکستن یک شیشه بانک هم ندارند و عواقب تشنج در کشور را کاملاً درک می‌کنند ولی انتظار بسیاری از افراد این است که مسوولان هم دقیقاً همین احساس مسوولیت را بکنند تا نیاز نباشد که یک خواسته معقول و منطقی از طریق فریاد به گوش تصمیم‌گیران برسد. با صداقت، شجاعت، تواضع و تمکین در مقابل اراده قاطبه مردم، تخصیص مسوولانه بودجه‌ها و جلوگیری از رانت‌خواری‌ها و زندگی‌های اشرافی برخی از مسوولان قطعاً نتایج آن را در بطن جامعه خواهیم دید کما اینکه از طریق بی‌اعتنایی به خواسته‌ها و انتظارات بحق مردم شور و شغف و صف‌ناشدنی در بیگانگان و فرصت‌طلبان ایجاد خواهد شد. آنان چنان از اشتباهات مسوولان ایرانی مشغوفند و آرزوهای خود را در دسترس می‌بینند که از

هم کنون براي لحظه، لحظه حضور و سروري خود برنامه چیده و آماده اند. اگرچه آگاهی مردم این آرزوها را بر باد خواهد داد ولي از روزي بترسیم که مردم هیجانات تحمیلی را بر احساس مسولیت خود ترجیح دهند.

م: : ۱۴۰۱ ۲۳ ۱۴۰۱